

نقش خانواده و جامعه در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان

بدرالسادات بازیار^۱، علیرضا دهقانی^۲

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، شماره دانشجویی

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

چکیده

مقاله‌ی حاضر بر آن است که ویژگی‌های عصر کنونی هدایت جنسی کودکان و نوجوانان را مطرح کند. تلاش بر آن است که این مختصر بتواند گامی مفید و مؤثر در تحلیل صادقانه‌ی اوضاع و شرایط تربیت جنسی کودکان و نوجوانان بردارد و راه‌بردهای ارائه شده در آن کمک مؤثری به این ارزشمندترین سرمایه‌های کشور، یعنی جوانان و نوجوانان عزیز، باشد. تربیت جنسی باید در یک برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده، متناسب با مقتضیات سنی و به پیروی از عقل و مبتنی بر شناخت نیازها و قابلیت‌های افراد صورت گیرد. عدم توجه به شرایط سنی و ذهنی در هر مرحله از رشد، و طرح شتاب‌زده‌ی مسائل جنسی می‌تواند آسیب‌زا باشد و ناهنجاری‌هایی را به وجود آورد که با فلسفه‌ی تربیت و رشد ناسازگارند. همچنین، برصاحب‌نظران حوزه‌ی تربیتی و دینی و مشاوران است که با توجه به مقتضیات سنی و زمانی، راه‌کارهایی مناسب در این زمینه ارائه دهند.

کلیدواژه‌ها: تربیت جنسی، هویت جنسی، تربیت دینی، مشاوران، خانواده، جامعه، نوجوانان

۱- مقدمه

دین مبین اسلام بعثت رسولان را برای تربیت معرفی می‌کند و برای همه‌ی مراحل و مقاطع زندگی دستورهای ویژه‌ای دارد تا انسان به بهتری وجه تعلیم داده شود و برای مراتب عالی زندگی پرورش پیدا کند (اسلامیه، ۱۳۹۰).

جهان در آغاز هزاره‌ی سوم با شتابی تصاعدی شاهد شکل‌گیری تحولات و دگرگونی‌های عمیق در بسیاری از ابعاد است. این نوع شدن، تنها در ابزار، روش و برنامه‌ی نو نیست بلکه اندیشه و نگرش انسان به خود و جهان اطراف را نیز دربرمی‌گیرد. ماهیت پیچیده و سرعت تحولات جهانی نشان می‌دهد که شتاب فزاینده‌ی این نو شدن با دهه‌های قبل قابل مقایسه نیست.

این شتاب تصاعدی نه تنها در تغییرات ابزاری و فناوری بلکه حتی در ماهیت انسانی نیز رخ داده است و این تغییرات سبب پیدایش تحولات تازه در نظام تعلیم و تربیت می‌شود اما سؤال اساسی این است که نهادهای تربیتی ما، متولیان امر تعلیم و تربیت (رسمی و غیر رسمی) تا چه اندازه برای رویارویی با این تغییر و تحولات آمادگی دارند؟ خانواده‌های ما به عنوان یکی از ارکان اصلی تعلیم و تربیت تا چه میزان رویارویی منطقی و اصولی با این تحولات را می‌پذیرند؟ (جعفری، ۱۳۸۸).

در زمان حاضر، در کشور ما متوسط سن بلوغ کاهش یافته و سن ازدواج در حال افزایش است. هم‌چنین، عقاید سنتی در حال تغییرند و کاهش نفوذ و تأثیر خانواده، رواج شهرنشینی، مهاجرت، توسعه‌ی گردشگری و ارتباطات جمعی در مجموع تغییرات وسیعی در رفتار جنسی و اجتماعی به وجود آورده است؛ در نتیجه، نوجوانان امروزی بیش از گذشته در معرض ارتباط جنسی زودرس قرار دارند (امامی نائینی، ۱۳۸۶).

اگر باور داشته باشیم که بسیار از کجروی‌ها و کجرفتاری‌های ناپسند جوانان و نوجوانان واکنشی است به کنش‌های ناسالمی که از سوی خود ما ظاهر شده است و در یک کلام، اگر بتوانیم تربیت «طربناک» را جایگزین تربیت «سوگناک» کنیم، آن‌گاه فرصت بروز هیجانات و زمینه‌ی تخلیه‌ی تنش‌ها و فشارهای روانی به فرزندان در قالب فعالیت‌های خودانگیخته فراهم می‌شود. ماجراجویی و لذت‌طلبی نوجوانان به جای سرکوب، به شکل سالم و هدایت شده تعالی می‌یابد؛ هیجان‌ها و لذت‌طلبی‌ها و ماجراجویی‌ها در قالب ارزش‌ها، هنجارها، باورها و اعتقادات سازنده‌ی دینی و معنوی جهت داده می‌شوند؛ عشق مجازی به عشق حقیقی، لذت مادی به لذت معنوی، خطرپذیری به ایثارگری، خودخواهی به خودشکوفایی، غریزه‌ی جنسی به عشق متعالی و گستاخی به حق‌طلبی در نسل آینده تبدیل خواهند شد.

۲- بیان مساله

یکی از تحولات قابل توجه در دوره نوجوانی، بروز و ظهور تمایلات جنسی و شهوانی است که گاهی نوجوانان را با مشکل مواجه می‌سازد و این مشکلات به دلیل ناآشنایی با این پدیده و عدم آمادگی برای هدایت این استعداد در مسیری منطقی، موجب گرفتاری‌هایی برای نوجوان می‌شود.

تربیت جنسی نوجوان بخش مهمی از وظایف مربیان و روان‌شناسان محسوب می‌شود؛ چه اینکه از یک سو، نوجوانی دوره حساس، سرنوشت ساز و تعیین کننده بوده و از سوی دیگر، کوتاهی در امر تربیت جنسی این قشر از جامعه، خسارت‌های جبران ناپذیری در پی خواهد داشت.

طرز تلقی ما از تربیت جنسی در بیشتر جنبه‌ها با اندیشه‌ی غرب کاملاً متفاوت است. غرض ما از تربیت جنسی، پرورش و تعدیل و جهت‌دهی است نه پروردن و اوج دادن؛ برای نمونه، ما وجود شرم و حیا در زمینه‌ی تربیت جنسی را یک اصل انسانی می‌دانیم و با آزادی و بی‌بندباری در زمینه‌ی جنسی کاملاً مخالفیم (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹).

۲-۱. اهمیت تربیت جنسی

غریزه‌ی جنسی یکی از گرایز پر قدرت بشر است که اگر برای مهار و هدایت آن به موقع اقدام نشود و از راه صحیح تعدیل نگردد، زمام اختیار آدمی را به دست خواهد گرفت و چون طوفانی سرکش، او را به منجلاب و فساد و تباهی خواهد کشاند (علی مردانی، ۱۳۸۶)

غریزه‌ی جنسی از لحظه‌ی تولد در نهاد فرد وجود دارد. ارضای غریزه‌ی جنسی بر اثر لذتی که به دنبال دارد، کودک و نوجوان را به خود مشغول می‌دارد. تلاش برای ارضای درست و مناسب این غریزه نه تنها مذموم نیست بلکه بسیار نیکو و پسندیده نیز هست اما باید از طریق آموزش صحیح، کنترل و هدایت شود.

تربیت جنسی امری تدریجی و مرحله‌ای است که باید براساس ویژگی‌های کودکان و نوجوانان صورت گیرد. استعداد های انسان براساس توانایی‌هایش و با حرکتی تدریجی، در جهت کمال مطلق شکوفا می‌شود.

در تربیت جنسی، صرف ارائه‌ی اطلاعات کفایت نمی‌کند بلکه رفتار و نگرش والدین نسبت به امور جنسی در اثربخشی و کارآمدی آموزش اهمیت به‌سزایی دارد. (قائمی، ۱۳۲۸)

۲-۲. مفاهیم

پیش از وارد شدن به مباحث اصلی، ضرورت دارد به بیان مفهوم چند واژه پرداخته شود .

خانواده

در تعریف خانواده گفته شده، خانواده از گروهی از اشخاص تشکیل می‌شود که روابطشان با یک دیگر بر پایه خویشاوندی و هم‌خونی است.

براساس تعالیم اسلامی نیز خانواده مجموعه‌ای از افرادی است که با رابطه‌های سببی و نسبی (والدین، فرزندی، خواهری و برادری) شکل می‌گیرد.

تربیت

واژه‌ی تربیت در زبان فارسی به معنای پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن، به کار رفته است. واژه‌ی ترکیبی تعلیم و تربیت نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است.

تربیت در اصطلاح

علماء برای تربیت معانی مختلفی ذکر کرده‌اند و هر کدام از یک زاویه به تربیت نگاه کرده‌اند و آن را تعریف نموده‌اند. و در این تحقیق به یک اکتفا می‌شود آیه‌الله امینی: تربیت را چنین تعریف کرده است: «تربیت عبارت است از انتخاب رفتار، گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده شکوفا سازد و به تدریج به سوی کمال حرکت کند.

طبق این حرکت باید مرتباً با استفاده از روش‌های مناسب زمینه را آماده کند تا مترتی راه خویش را بیابد و استعداد های نهفته‌ای خود را شکوفا ساخته و به فعلیت برساند و فاعل اصلی تربیت در این تعریف خود مترتی است و مرتباً تنها به او کمک می‌کند و شرایط لازم را برای او آماده می‌کند تا مترتی خود تلاش کند و استعداد های خود را شکوفا سازد.

جنس

مراد از «واژه‌ی جنس» ویژگی‌های زیست‌شناختی متفاوت مرد و زن است. انسان‌ها مانند بیشتر موجودات از دو جنس مخالف تشکیل شده‌اند. این دو جنس با تفاوت‌های آشکار در سطح مسایل زیستی و فیزیولوژیک و روان‌شناختی به وجود آمده-

اند. همین تفاوت‌هاست که آن دو را مکمل یک دیگر قرار داده می‌دهد. بدون شک هر کدام از آن‌ها بدون دیگری در تداوم نسل و زندگی اجتماعی با شکست رو به رو خواهد شد.

جنسیت

واژه‌ی «جنسیت» برای اشاره به ویژگی‌هایی به کار می‌رود که در نتیجه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای متفاوت در هریک از جنس مرد و زن بروز می‌کند.

مفهوم جنس

گاهی از جنس معنای عام اراده می‌شود به طوری که به تفاوت‌های جسمی و روانی دو مخالف جنس اشاره دارد. از باب مثال گفته شود که هوش کدام یک از پسر و دختر است؟ در این موارد مطلق جنسیت مورد نظر است. گاهی معنای خاصی از واژه جنس اراده می‌شود. که به گزینه جنسی، کارکرد جسمی، بلوغ جنسی، آموزش جنسی و رشد جنسی اشاره دارد.

تربیت جنسی

تعریف‌های متعددی از تربیت جنسی شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. یکی از آن تعاریف این است: تربیت جنسی عبارت است از فراهم آوردن زمینه رشد گزینه جنسی به گونه‌ای که ضمن استفاده لازم از این گزینه از انحرافات و لغزش‌های جنسی پیش‌گیری شود.

در تعریف دیگری چنین آمده است: «تربیت جنسی عبارت است از این که فرد در دوره‌های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به گونه‌ای پرورش یابد که با جنسیت خود آشنا شود و آن را بپذیرد. نقش زن و مرد بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد، احکام و آداب دینی در ارتباط با مسایل جنسی مربوط به خود، روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا بگیرد. آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند. با مسایل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد. به گونه‌ای توان مند شود که عواطف و فعالیت‌های خویش را در جهت قرب به خداوند و جلب خوشنودی او به کارگیرد.

بر اساس این تعریف تربیت جنسی حوزه وسیعی را در بر می‌گیرد و شامل فعالیت‌های تربیتی‌ای است که از آغاز زندگی متربی، مرحله به مرحله برای رشد متعادل و متناسب گزینه جنسی او صورت می‌گیرد، تا فرد با وظایف و رفتارهای جنسی خود آشنا شود.

مبنای این تحقیق تعریف اول می‌باشد. هر چند تعریف دوم جامع تر است.

آموزش جنسی

منظور از آموزش جنسی ارائه اطلاعات کلی و صحیح در وقایع تغییرات جسمی و روانی و راهنمایی جوانان در رفتار و کردار آن‌ها در این مقطع از سن، نسبت به خود، دیگران و شیوه‌ای ابراز علاقه و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحرافات است. در تعریف دیگری آمده است: منظور از آموزش جنسی، آموزش رفتارها و مسایل تولد و تناسل، آماده سازی فرد برای فهمیدن و کنترل تحریکات و رفتارهای جنسی خود، آموزش اصول و مسایل فردی و گروهی مربوط به دو جنس مرد و زن است. آموزش مسایل جنسی به صورت صحیح و کامل در هر دوره‌ی از رشد، فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی، افراد را به سوی صلاح و پرهیز از فساد سوق می‌دهد.

۲-۳. تفاوت تربیت جنسی و آموزش جنسی

تعاریفی که برای تربیت جنسی و آموزش جنسی بیان گردید، می‌تواند تمایز این دو از هم دیگر را تا حدودی روشن سازد. به این صورت که تربیت جنسی دایره‌ای وسیع‌تر از آموزش جنسی دارد. به گونه‌ای که آموزش جنسی بخشی از تربیت جنسی به حساب می‌آید، زیرا آموزش، مقدمه تربیت محسوب می‌شود. هرچند تربیت صد در صد متوقف بر آموزش نیست ولی در برخی موارد تربیت بدون آموزش امکان پذیر نمی‌باشد و این جا از همان موارد است، زیرا آموزش عهده دار، رشد دادن به «بعد شناختی» متربی است، تا از این طریق به استعدادهای خویش در باره امور جنسی آگاه شود و در راه رسیدن به سعادت خود از آن امکانات بهره‌بردارد. از طرفی دیگر به لغزش‌ها و پیامدهای زیان‌باری که ممکن است از ناحیه مسایل جنسی دامن‌گیر اوشود، شناخت پیدا کرده و از آن‌ها اجتناب نماید.

باتوجه به آن چه در تعریف تربیت و آموزش جنسی بیان گردید می‌توان گفت که منظور از تربیت جنسی این است که زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسایل جنسی طوری فراهم شود که، متربی در پرتوآن، به آگاهی‌های لازم در زمینه مسایل جنسی، دست یابد، عادات و آدابی صحیح در باره چگونگی اعمال و ارضای غریزه جنسی را فرا بگیرد، از تحریک غریزه جنسی او پرهیزشود. از این رو ضرورت دارد که خود فرد و نهادهای مختلف جامعه مانند خانواده، مدرسه، حکومت و... در این جهت بر نامه‌ریزی و تلاش نمایند. در این تحقیق نقش خانواده به خصوص پدر و مادر در رابطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اسلام والدین وظیفه دارند که از همان آغاز تولد فرزندشان زمینه رشد طبیعی او را در همه ابعاد وجودی‌اش از جمله بعد جنسی فراهم سازد.

۲-۴. تربیت جنسی در دوره‌ی کودکی

مهم‌ترین موضوعاتی که باید در تربیت جنسی کودکان در این دوره رعایت شود، عبارت‌اند از :

ایجاد عادت‌های مطلوب جنسی یا در واقع، پیش‌گیری از عادت‌های نامطلوب جنسی

دادن پاسخ متناسب و در خور فهم کودکان به پرسش‌های جنسی آن‌ها

کمک به شکل‌گیری هویت جنسی متناسب با جنسیت کودک.

پیش‌گیری از بیداری جنسی پیش از موقع

این مرحله از رشد (دوره‌ی ابتدایی) مرحله‌ی ادب کردن و آموزش مقدمات لازم برای ورود به دنیای بلوغ است. نقش اصلی تربیت جنسی در دوران کودکی و ایجاد عادت‌های مناسب به عهده‌ی پدر و مادر است. آن‌ها باید خود آموزش‌های لازم و روشن در زمینه‌ی تربیت جنسی را دریافت کنند و به آن‌ها کمک شود تا برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های جنسی و زیستی فرزندانشان از طریق مراجعه به کتاب‌های مناسب و متون مذهبی آمادگی یابند.

کودک در ۳ تا ۵ سالگی نسبت به خصوصیات جسمانی خود و تفاوت‌های جنسی دختر و پسر کنجکاو است و کنجکاو او صرفاً جنبه‌ی شناختی و کشف دارد. نوع پرسش‌های کودک معمولاً در مورد آفرینش خود، کیفیت پیدایش و چگونگی به دنیا آمدن خود است، سؤال‌هایی از قبیل «مرا از کجا آوردی» و «نوزاد از کجا می‌آید» و «من کجا بوده‌ام». این سؤال‌های آنان طبیعی و عادی است. دید کودک درباره‌ی بدن خود و هم‌سالان، مانند دید والدین نیست؛ از این رو در پاسخ به این پرسش‌ها هم همواره باید به این نکته توجه داشت که روند آموزشی کودک باید تدریجی باشد و نباید همه‌ی جزئیات را یکباره در اختیار او گذاشت. پاسخ پرسش‌ها باید کوتاه و ساده باشد (اوحدی، ۱۳۸۸).

در ۶-۵ سالگی فعالیت هورمون‌های جنسی کم است؛ در ۷ سالگی، پسران نسبت به دختران ابراز علاقه می‌کنند اما این ابراز علاقه جنبه‌ی دوستی دارد نه جنبه‌ی جنسی. گاهی کودکان به هنگام استحمام، توالی یا تعویض لباس به بدن خود نگاه می‌کنند یا برای کنجکاو آلت تناسلی خود را دست‌کاری می‌کنند. این رفتار گاهی به جهت مشکلات جنسی (خشکی پوست آلت یا خارش یا سوزش آن) است. در مواردی اضطراب، باعث این رفتار می‌شود و از این راه، کودک کسب آرامش می‌کند. به طور کلی، این رفتار هنگام استحمام، بازیگوشی، خستگی، بی‌حوصلگی، هنگام حرکت در خودرو، و هنگام مطالعه (در سنین تحصیل) بیش‌تر وجود دارد. در این گونه موارد، والدین باید خونسردی خود را حفظ کنند و کودک را از این گونه رفتار بازدارند.

یکی از مسائلی که پدر و مادر در شکل‌گیری آن نقش مؤثری دارند، «هویت جنسی» است. هویت جنسی مفهومی است که فرد از خود به عنوان یک مرد یا زن دارد. در واقع، تصویری که هر فرد از زن یا مرد بودن خود دارد و برداشت او از این که زن یا مرد چگونه است، هویت او را می‌سازد.

در واقع، هویت جنسی با نقش جنسی ارتباط نزدیک دارد. مرد و زن هر کدام نقشی دارد و این هنجارهای جامعه است که مشخص می‌کند زن یا مرد، در انجام دادن چه کارهایی مجاز و در چه کارهایی غیر مجازند؛ در این زمینه، والدین نیز نقش «الگویی» دارند؛ باید احترام به زن را به نوجوان پسر آموخت و هم زمان با آن، احترام به مرد را نیز به دختران آموزش داد.

بررسی‌های علمی نشان داده‌اند که بیداری ناپهنگام جنسی، زمینه‌ساز بروز پاره‌ای از هوس‌های نادرست، عادت‌های نامناسب و انحراف‌آمیزی چون خودارضایی، قرار دادن خود در معرض سوء استفاده‌های جنسی، و بالاخره، توسعه‌ی مفسد و آلودگی‌هاست؛ از این رو، باید از پیش‌رسی بیداری جنسی کودکان جلوگیری کرد. این سخن بدان معنا نیست که کودک را در مورد اعضای وجودی‌اش غافل و جاهل نگه داریم بلکه غرض این است که به زور تصنع و تحریک، بیداری غریز و به دنبال آن، هوس و شهوت را در او پدید نیاوریم (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹).

دوره‌ی پنج‌ساله‌ی دبستان، دوره‌ی حساس و از نظر تثبیت شخصیت اخلاقی و تربیتی، مهم و سرنوشت ساز است. این دوره، دوره‌ی فراگیری آموزش‌های زیربنایی و اساسی، پایه‌گذاری عادت‌ها، روابط، کودک با دیگران، و آغاز پیدایش پاره‌ای از لغزش‌ها و انحراف‌هاست. اگر به روایت‌های اسلامی که در مورد مراحل مختلف رشد آماده است دقت کنیم، در می‌یابیم که مراحل رشد به سه بخش یا سه هفت سال تقسیم شده‌اند؛ برای نمونه، امام صادق (ع) می‌فرماید: «اجازه دهید فرزندان تا هفت سالگی بازی کند، هفت سال بعد تحت تأدیب قرار گیرد و در هفت سال سوم، ملازم شما باشد» (قائمی، ۱۳۸۸).

بسیاری از روان‌شناسان ۷ تا ۱۲ سالگی را «سن نهفتگی» یا «اختفای جنسی» معرفی کرده‌اند؛ بنابراین، برنامه‌ی تربیت جنسی هم باید با این نهفتگی هماهنگ باشد. اطلاعات نباید به گونه‌ای باشد که باعث بیداری زود رس جنسی گردد. تردیدی نیست که مدرسه در رابطه با تربیت، به ویژه تربیت جنسی، نقش مکمل را دارد و مسئولیت اصلی تربیت جنسی کودک و نوجوان به عهده‌ی پدر و مادر است. نکته‌ای که معلمان و والدین باید در این سنین به آن توجه داشته باشند، این است که دختران از نظر جنسی نسبت به پسران آسیب‌پذیرترند؛ زیرا از این جهت از پسران ضعیف‌ترند و دیگر این که سن بلوغ در آن‌ها پایین‌تر از سن بلوغ در پسران است. دختران معمولاً در سن بلوغ از آگاهی‌ها و تعلیمات جنسی لازم بی‌بهره‌اند؛ بنابراین، ممکن است به آسانی در دام انحراف جنسی بیفتند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۷).

۲-۵. تربیت جنسی در دوره‌ی نوجوانی (راهنمایی و دبیرستان)

در دوره‌ی نوجوانی، تأثیرات نیرومند احساسات مربوط به تمایلات جنسی، جای بسیاری از تصورات و مفاهیم ذهنی را می‌گیرد. بدون تردید، واقعه‌ی بلوغ از مهم‌ترین روی‌دادها، و نوجوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی انسان است. نوجوانی دوران پرتلاطمی است که تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و اجتماعی را به همراه دارد. در ۱۱-۱۰ سالگی نوجوان درباره‌ی خصوصیات خود، مسائل زندگی زناشویی، و ارتباط با جنس مخالف کنجکاو است. در این دوره، آثار دل‌بستگی جنسی در رفتار او آشکارا منعکس می‌شود؛ طبیعت نوجوانان در دوره‌ی بلوغ جنسی تغییر می‌یابد؛ آن‌ها بیش‌تر عصبانی و سرکش می‌شوند. این تغییرات با ظهور میل جنسی-اعم از امیال ارضا شده یا نشده-در برخی از آن‌ها آشکار می‌گردد (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶).

معمولاً دختران در ۱۱-۱۰ سالگی و پسران در ۱۲ تا ۱۴ سالگی به سن بلوغ می‌رسند. بلوغ در دختران با عادت ماهانه و در پسران با رویاهای منتهی به انزال همراه است. لازم است آموزش‌ها از سنین پایین‌تر، یعنی از ۱۰-۹ سالگی، شروع شود تا هنگام برخورد یا پدیده‌ی بلوغ و دوران قاعدگی برای دختران نکته‌ی مهمی وجود نداشته باشد؛ زیرا آنان در مورد تغییرات

جنسی و علایم خلقی، روانی و اجتماعی بلوغ، اطلاعات بسیار کمی دارند و این امر در مورد علایم روانی و تحول رفتاری محسوس تر است.

بیش تر والدین از آشفتگی دوران بلوغ آگاه اند و این دوران با احساساتی متناقض مانند بهترین زمان یا بدترین زمان، سن دانایی یا سن نادانی، بهار امید یا زمستان ناامیدی به خاطر می آورند.

البته همه ی این احساسات حاکی از فراز و نشیب های روح نوجوان است؛ او گاهی شاداب، خوش حال و سرزنده و گاهی پژمرده، اندوهگین و ساکت است.

مهم ترین ویژگی نوجوان، استقلال طلبی است. او دوست دارد انتخاب گر باشد، مورد تأیید دیگران، به خصوص هم سالانش، قرار گیرد. در برابر زورگویی و تحکم سر به شورش برمی دارد، و می کوشد در انتخاب دوست بر هم سالانش پیشی جوید (قائمی، ۱۳۸۸).

۲-۶. دوستی ها در سنین مختلف

بین ۴ تا ۸ سالگی دوستی ها عمیق نیست بلکه ارتباطی یک طرفه است.

بین ۱۰ تا ۱۴ سالگی افراد از دوستان خود تأثیر می پذیرند.

پس از ۱۴ سالگی وارد مرحله ی صمیمیت و دوستی پایدار و احساس وابستگی خاصی می شوند.

عمیق ترین و بادوام ترین دوستی ها بین ۱۴ تا ۲۰ سالگی است.

توجه به اهمیت حیاتی دوران نوجوانی در زندگی فرد به ویژه از نظر تربیتی، ضروری است. دختران نوجوان باید به دختر بودن و حفظ شرافت و پاکی خود افتخار کنند. مادر باید راه کارهای مربوط به بهداشت آلت تناسلی در هنگام بلوغ جنسی را به دخترش توضیح دهد. پسران نوجوان هم به عفت، پاکی، نزاکت و ادب، به ویژه در رابطه با دختران، نیاز دارند؛ از این رو، پدر باید بتواند به طور صحیح بر پسر نوجوانش تأثیر بگذارد، آگاهانه اعمال و رفتار او، خواه بد و خواه خوب، را زیر نظر داشته باشد و با پسر نوجوان خود درباره ی تغییراتی چون احتلام، تغییر صدا و غیره گفت و گو کند. آگاه کردن والدین و آموزش دادن به آن ها به افزایش اطلاعات، بهبود نگرش و ارتقای عملکردشان منجر می شود و در آنان نگرشی مثبت نسبت به پدیده ی بلوغ و قبول تغییرات فیزیولوژیک ایجاد می کند. این امر در نهایت، باعث رفع نگرانی ها، تقویت حس اعتماد به نفس، و احترام به خویشان می شود. ناآگاهی از مسائل جنسی می تواند سرچشمه ی تنیدگی ها، اضطراب ها، تنش های روانی و افسردگی باشد. برخی از جوانان و نوجوانان برای غلبه بر این گونه حالت های نامطلوب روانی به سوء مصرف الکل و مواد مخدر روی می آورند و عملاً سال ها و حتی تا پایان عمر در دام اعتیاد گرفتار می مانند.

۳. بحث و نتیجه گیری

در بیش تر کشورهای در حال توسعه، برنامه ها و سیاست های منسجم و مدونی برای حفظ صیانت و تربیت جنسی نوجوانان وجود ندارد. در میان انبوه مشکلاتی که نوجوانان امروز با آن روبه رو هستند، تربیت جنسی اهمیت ویژه ای دارد. باید اعتراف کرد که این مشکل با ماشینی شدن هر چه بیش تر زندگی، افزایش مدت تحصیل، راه یافتن تجمل به اغلب خانواده ها، و تزلزل پایه های اعتماد دختران و پسران به یکدیگر ابعاد گسترده تر و پیچیده تری به خود گرفته است. بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی ناشی از طغیان تمایلات جنسی است که سبب برهم خوردن نظم اجتماعی و به خطر افتادن سلامت جامعه می شود (جعفری، ۱۳۸۸).

از نظر اسلام تنها راه ارضای طبیعی و فطری غریزه ی جنسی، ازدواج است. برخلاف تصور بعضی ها که پیوند زناشویی را تنها در خدمت ارضای خواهش های نفسانی می دانند، اسلام از این سنت بزرگ الهی و اجتماعی، گذشته از تأمین خواسته ها، اهداف مهم و ارزشمندی را مد نظر دارد. ادیان الهی همواره به مردم سفارش کرده اند که نیازهای فطری را از راه طبیعی و مشروع برطرف کنند و از افراط و تفریط بپرهیزند. دین مبین اسلام نیز براساس توجهی که به نیازهای فطری انسان دارد، برای ارضای صحیح

آن‌ها مقررات مناسبی وضع کرده و راه‌هایی منطقی در این زمینه نشان داده است. ازدواج از نظر اسلام، تنها راه تعدیل غریزه جنسی است و استفاده از آن سعادت انسان را در پی خواهد داشت (علی مردانی، ۱۳۶۸)

زنان و مردان جوان، والدین فعلی یا والدین نسل آینده هستند که باید به آن‌ها فرصت داده شود تا ظرفیت خود را در جهت سلامت کامل توسعه دهند، نحوه پرورش فرزندان سالم را بیاموزند و از خطرهای ناشی از شروع زودرس فعالیت‌های جنسی برای خود و جامعه آگاه شوند و از آن بپرهیزند. اهمیت این امر به دلیل حجم بالای جمعیت جوان، چشم‌گیر است (امامی نائینی، ۱۳۸۶). مربیان و مشاوران و والدین باید با توجه به توانایی و قابلیت مخاطبان و فرزندان خود، تکالیف جنسی را معین کنند.

توصیه‌هایی که والدین به فرزندان‌شان (چه دختر چه پسر) می‌کنند، باید در بردارنده‌ی اطلاعاتی در زمینه‌ی روابط انسانی، هویت جنسی، رعایت مسائل بهداشتی، مهارت‌های زندگی، ارزش‌ها و خلاقیت‌های انسانی، بیان احساسات، نیازها، تصمیم‌گیری‌های مسئولانه، و افزایش عزت نفس آنان باشد (سلحشور، ۱۳۸۴)

منابع

۱. بو طالبی، مهدی (۱۳۸۳): تربیت دینی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۲. اسلامی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، نگاهی به تعلیم و تربیت در سیره‌ی نبوی، تهران، سازمان بسیج فرهنگیان، مرکز علمی فرهنگی جنات.
۳. امامی نائینی، مهرگان (۱۳۸۶): آموزش مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان، نشریه‌ی طیب مردم، ص ۳۰.
۴. اوحدی، بهنام (۱۳۸۸): تمایلات و رفتارهای جنسی انسان، تهران، ناشر: مؤلف، چاپ دوم.
۵. جعفری ابراهیم (۱۳۸۸): تحولات جهانی آینده، بیم‌ها و امیدها در کانون خانواده، نشریه‌ی نگاه، آبان ماه، ص ۶.
۶. دهنوی، حسین (۱۳۸۶): نسیم مهر (۲)، ناشر: انتشارات خادم الرضا (ع)، چاپ نهم، ص ۱۵۷-۱۵۵
۷. فرمهبینی فراهانی، (۱۳۷۸): نگاهی گذرا بر تربیت جنسی در مقاطع مختلف تحصیلی، سلامت روان، ص ۱۹.
۸. قائمی، علی (۱۳۸۸): تربیت جنسی، تهران، انتشارات رشد.
۹. قائمی، علی (۱۳۸۸): هدایت جنسی و مسائل مربوط به ازدواج، از مقالات ارائه شده در کتاب پنجم آموزش خانواده، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم.
۱۰. سلحشور، م. (۱۳۸۴): اهمیت تربیت جنسی در کودکان و نوجوانان در خانواده، نشریه پیوند، ص ۴۰.
۱۱. علی مردانی، (۱۳۸۶): ازدواج سنت نبوی، شمیم معرفت، شماره‌ی ۱۲.
۱۲. دبس، موریس (۱۳۷۴): مراحل تربیت (علی محمد کاردان، مترجم) تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم.
۱۳. نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۶): رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران، انجمن اولیا و مربیان.